



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۷۸ - ۱۸ اوت ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۱۴
KAR. No. 214 Wednesday 18 Aug 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۱۴ - چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۷۸

- سرمقاله
یک ماه پس از ۱۸ تیر
- یادداشت
علیرغم تصویب مجلس مبارزه علیه نظارت استصوابی
شورای نگهبان ادامه خواهد یافت
- نظارت استصوابی شورای نگهبان
همه جانبه و بر تمامی مراحل انتخابات است
- شورای عالی امنیت ملی گزارش خود را منتشر کرد
خواست‌های دانشجویان بی‌پاسخ ماند
- محافظه‌کاران از بیم خیزش دوباره دانشجویان
دامنه سرکوب‌ها را گسترش می‌دهند
- به حکم دادگاه ویژه روحانیت
روزنامه سلام به مدت ۵ سال تعطیل شد
- آمران قتل‌ها در صدد مخومه اعلام کردن پرونده قتل‌ها هستند
- کاظم شکری با وثیقه ۱۵ میلیونی آزاد شد
- محمود هاشمی به جای محمد یزدی نشست
- یزدی عضو شورای نگهبان شد

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

یک ماه پس از ۱۸ تیر

دیگر مدت‌هاست هیچ اقدام جدی و امیدبخشی از سوی جناح اصلاح طلب حکومتی در جهت انجام وعده‌های خود به منظور ایجاد ((جامعه مدنی)) به چشم نمی‌خورد و آن چه که به ویژه در یک ماه اخیر شاهد بوده‌ایم، عقب‌نشینی گام‌به‌گام آنان در عرصه‌های مختلف در برابر تعرضات جناح محافظه‌کار است. این عقب‌نشینی‌ها در عرصه‌هایی صورت گرفته است که برای اصلاح‌طلبان بسیار حیاتی است. اصلاح قانون مطبوعات مطابق خواسته‌های جناح محافظه‌کار به آرامی و بدون هیچ‌گونه پیامد سنگینی صورت گرفت. اگر اعتراض شجاعانه دانشجویان به تعطیل روزنامه سلام که به یک حرکت ملی تبدیل شد نبود، تعطیل این روزنامه نیز همانند اصلاح قانون مطبوعات، به راحتی و بدون هیچ سروصدایی به انجام می‌رسید، درست به همان‌گونه که تصمیم دادگاه به بسته ماندن ۵ ساله این روزنامه تنها با چند ((اعلامیه شدیدالحن)) همراه شد و واکنش مناسبی را برنمی‌تابید. روزنامه سلام، یعنی روزنامه‌ای که پرچم جنبش اصلاح‌طلبی حکومتی بود، به همین راحتی به خاک افتاد!

بعد از این دو حادثه، نوبت به پرونده ((قتل‌های محفلی)) رسید. مطابق آخرین اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح پیرامون این جنایت، اکنون محافظه‌کاران نه تنها موفق شده‌اند سر و ته قضیه را در حد همان ((محفل)) معروف به هم آورند، بلکه طلبکار هم شده‌اند و می‌گویند این قتل‌ها که به کشتار آزادیخواهان منجر شده است، با هدف ضربه زدن به ((نظام)) صورت گرفته است! از اظهارات کسی مانند آقای شریعتمداری سرپرست کیهان که از همکاری و هم‌مسلكی‌اش با سعید امامی داستان‌ها بر سر زبان‌هاست می‌توان درجه طلبکاری محافظه‌کاران را در این ماجرا دریافت. این جنایتکار ضد آزادی و دوست نزدیک سعید امامی اکنون جنبش اصلاح‌طلبی را در ((راستای)) اهداف سعید امامی می‌خواند و مطبوعات اصلاح‌طلب را با او دارای ((سر و سر)) می‌خواند! آخرین و شاید جدی‌ترین ضربه جناح محافظه‌کار هفته گذشته در مورد اصلاح قانون انتخابات وارد آمد و این جناح توانست نظارت استصوابی شورای نگهبان را در تمام مراحل انتخابات قانونی کند. با این تصمیم مجلس، هم در زمینه مطبوعات و هم در زمینه انتخابات، جناح‌ضد آزادی به آن چه می‌خواست، حداقل بطور موقت و برای انتخابات مجلس ششم دست یافت و اکنون تنها این مانده است که از این امتیازات چگونه بهره جوید.

در برابر همه این تعرضات، آقای خاتمی کماکان به نقش خود به عنوان یک معلم اخلاق و یک فیلسوف وارسته ادامه می‌دهد و به نصیحت جامعه در مورد ضرورت آزادی‌ها و پرهیز از خشونت مشغول است. او در هفته‌های اخیر، به این ((وظیفه))، وظیفه دیگری را هم افزود و آن دفاع پیگیر و بی‌قید و شرط از آقای خامنه‌ای بود که بارها و بارها با صدای بلند و رسا از سوی او اعلام شد و آقای خاتمی در هر فرصتی تصریح کرد که در جمهوری اسلامی ایران، محور ولی فقیه است و همه چیز بر آن پایه می‌چرخد. این سخنان، البته بدون پژواک نماند و با پاسخ گرم و متقابل آقای خامنه‌ای که تازه کار سرکوب دانشجویان را به پایان برده بود، همراه شد.

عقب‌نشینی‌های بدون مقاومت اصلاح‌طلبان حکومت که بدون کسب هیچ امتیاز قابل توجهی از سوی آنان صورت می‌گیرد، این پرسش را پیش آورده است که آنان چرا سنگرهایی را که با خون دل و مقاومت و ایستادگی‌های بسیار به دست آمده است، به این راحتی وامی‌نهند و این پرسوی تا کجا ادامه خواهد داشت؟

اخبار پراکنده‌ای که از پشت‌پرده می‌رسد، حکایت از آن دارد گفتگوها، توافق‌ها و رایزنی‌هایی که به اطلاع مردم نمی‌رسد، در بسیاری از اتفاقات اخیر و از جمله دو تصمیم مهم مجلس پیرامون قانون انتخابات و مطبوعات و همچنین پرونده قتل‌ها و البته سرکوب دانشجویان نقش داشته است. غیبت سوال‌برانگیز بیش از ۸۰ نماینده مجلس در جریان رای‌گیری پیرامون نظارت استصوابی که در در چارچوب همین مسایل پشت‌پرده ارزیابی می‌شود، بی‌پاسخ مانده است و برخی از نمایندگان اصلاح‌طلب تنها به این پاسخ بسنده کرده‌اند که ((جای نگرانی نیست))!

بسیاری از شواهد حاکی از آن است که وقایع ۱۸ تا ۲۳ تیرماه گذشته، چرخشی را در مناسبات دو جناح پدید آورده است. سران عمده اصلاح‌طلب دریافته‌اند که پاسخگوی خواسته‌های توده مردم و جوانان نمی‌توانند باشند و نمی‌توانند نیروی آن‌ها را در همان محدوده‌هایی به کار گیرند، که خود می‌خواهند. تئوری ((چانه‌زنی در بالا و فشار از پایین)) که سیاست عمده اصلاح‌طلبان در مقابله با حریف بود، دچار مشکل عمده‌ای شده است. ((فشار از پایین)) قابل کنترل نیست! هاشمی رفسنجانی که بعد از سرکوب دانشجویان دوباره فعالانه به سخن آمده است و نقش مهمی در کشاندن تصمیم‌گیری‌ها به پشت درهای بسته دارد، با صدای بلند به واضعان این تئوری گفته است که این ((بساط)) را جمع کنند و به حل مسایل در پشت‌پرده بنشینند. نشانه‌ها حاکی از این است که سران اصلاح‌طلب حکومت بعد از این وقایع، به این نتیجه رسیده‌اند که راه بی‌خطرتر، افزودن بر رایزنی‌ها و تصمیم‌گیری‌های پشت‌پرده، و کمتر کردن دخالت توده مردم، جوانان و دانشجویان در این تصمیم‌گیری‌هاست. اگر این نشانه‌ها واقعی باشند، باید این نکته را نیز در نظر گرفت که اصلاح‌طلبان در شرایطی به این نتیجه خطرناک تن داده‌اند که در موقعیت بسیار ضعیف و دشواری قرار دارند. رفتار آنان در برابر تظاهرات دانشجویی، آن‌ها را به شدت آسیب‌پذیر کرده و در نقطه ضعیفی قرار داده است. در این شرایط است که آنان سنگرهای مقاومت را یک به یک وا می‌نهند، به این امید که جناح مقابل را قانع کنند نظارت استصوابی یا قانون اصلاح‌شده مطبوعات را علیه آنان به کار نگیرد.

آزادی‌خواهان ایران تاکنون بارها و بارها هشدارهای خود را با دلسوزی نسبت به عواقب مهلک این راه داده‌اند. مسئول این رفتار بدون تردید سران جناح اصلاح‌طلب و در درجه اول شخص آقای خاتمی هستند. آنان خود تصمیم به چنین انتخابی گرفته‌اند. کسانی

که می‌کوشند ((تندروی)) دانشجویان را عامل شکست‌ها و عقب‌نشینی‌ها وانمود کنند، تنها می‌خواهند مسئولیت خطاها و عقب‌نشینی‌های خود را بر گردن دیگران بگذارند. وقتی تعطیل ۵ ساله روزنامه سلام اعلام شد، هیچ دانشجویی به خیابان نیامد، وقتی نظارت استصوابی شورای نگهبان به تصویب مجلس رسید، باز هیچ دانشجویی به خیابان نیامد، اما کدام ((مقاومت قانونی)) در برابر این اقدامات ضدآزادی صورت گرفت؟ آقای رئیس‌جمهور و یاران او جز عقب‌نشینی توأم با غرولند چه کردند؟ کدام مقاومت قانونی سازمان داده شد؟

توقف جریان رفرم و اصلاحات در بالا در شرایطی صورت می‌گیرد، که جامعه ایران آمادگی خود را برای مبارزه با ولایت فقیه و دشمنان آزادی نشان داده است. پرهیز دادن جامعه و جوانان ایرانی از این رویارویی کاری بیهوده است. جنبش اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهانه در ایران سرانجام روزی بطور آشکار در برابر ((عمود خیمه)) استبداد صف خواهد کشید و با هیچ طرفندی نمی‌توان از این رویارویی جلوگیری کرد. سران اصلاح‌طلب در نخستین نبرد بین جنبش آزادی‌خواهی ایران با ولایت فقیه، سنگر آزادی‌خواهی را وانهادند و بعد از تردیدها، در سرکوب این جنبش با ولی‌فقیه همراهی شدند. این اشتباه بزرگ تاریخی، آن‌ها را در عرض چند روز از اوج به حضيض رساند. آنان اکنون هم اعتمادهای مردم و آزادی‌خواهان واقعی را تا حد بسیاری از دست داده‌اند و هم در درون حکومت مجبور به عقب‌نشینی‌های شتاب‌زده شده‌اند. این وضعیت آنان را در موقعیت بسیارضعیفی قرار داده است، راه پایان دادن به این ضعف و بازگشت به اقتداری که این نیرو دو سال پیش با آن قدرت اجرایی را در دست گرفت، نه فرو رفتن بیشتر در دالان‌ها و دهلیزهای تو در تویی است که محافظه‌کاران بر سر راه آنان تعبیه کردند، بلکه پای گذاشتن به شاهراهی است که جنبش مردم ایران در آن به راه افتاده است. اقتدار آنان تنها می‌تواند در همان نقطه‌ای شکل بگیرد که آنان از آن هراس نشان دادند. جنبش ۱۸ تیر آغاز مبارزه آشکار و توده‌ای با ولایت‌فقیه در ایران بود و فرو نخواهد خوابید. هیچ دلیلی در دست نیست که دانشجویان با آغاز سال تحصیلی جدید، بار دیگر اعتراض خود را آشکار نکنند و حمایت اقشار بیشتری از مردم ایران را به دست نیاورند. ((دو خرداد)) اگر در بالا به ضعف و سستی دچار شده است اما در پایین، تازه دارد نیروی خود را می‌شناسد و به آن باور می‌کند. این نیرو کماکان به حمایت اصلاح‌طلبان واقعی، پیگیر و ثابت‌قدم نیازهای بسیار جدی دارد.

یادداشت

علیرغم تصویب مجلس مبارزه علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان ادامه خواهد یافت

مجلس شورای اسلامی با سرعتی قابل تامل تصویب کرد نظارت شورای نگهبان بر تمام مراحل انتخابات مجلس، استصوابی باشد. بدین ترتیب، با پیروزی جناح راست، نقطه پایانی بر یک مرحله از کشمکش‌های بین جناح‌ها بر سر میزان دخالت شورای نگهبان در انتخابات مجلس گذاشته شد. نکته قابل توجه این است که این تصمیم مجلس، تقریباً بدون سر و صدا و بدون برخورد به اعتراض از سوی جناح خاتمی که تا چند ماه پیش شدیداً با نظارت استصوابی شورای نگهبان مخالفت می‌کرد، اتخاذ شد. به گزارش روزنامه‌ها، حدود ۹۰ نماینده هنگام رای‌گیری در مورد نظارت استصوابی یعنی یکی از جنجالی‌ترین موارد اختلاف جناح‌های حکومت در سال‌های اخیر، اصلاً در مجلس نبودند و برای مشاهده کسوف در مناطق مرکزی ایران به سر می‌بردند. نتیجه رای‌گیری (تنها ۶۰ مخالف) نشان می‌دهد که حدود نیمی از نمایندگان جناح خاتمی حتی نیازی به این ندیدند که در موقع بررسی قانون انتخابات در مجلس حاضر شوند. آن‌ها به این پرسش که چرا تماشای کسوف را بر حضور در مجلس به هنگام تصمیم‌گیری در مورد یکی از مهمترین مسایل ترجیح داده‌اند، پاسخی نداده‌اند. اما گفته می‌شود که این عدم حضور، حداقل در مورد بخش بزرگی از این نمایندگان، ناشی از آن بوده است که سرنوشت این لایحه از پیش و خارج از صحن مجلس تعیین شده بوده است. روزنامه همشهری می‌نویسد نمایندگان جناح خاتمی در مجلس، نگرانی چندانی از تصویب نظارت استصوابی ندارند. در خوش‌بینانه‌ترین فرض، آنچه مهدی کروبی رهبر مجمع روحانیون مبارز از آن به عنوان ریزنی با شورای نگهبان نام برده است، به توافقی انجامیده که به موجب آن، نمایندگان جناح خاتمی از بسیج رای و نیرو علیه نظارت استصوابی خودداری کرده‌اند. اما حتی اگر چنین باشد، باید دانست که در این توافق، جناح راست از اصلاح‌طلبان امتیازی نقد گرفته است و شاید قولی نسبی داده باشد که در حذف و تصفیه کاندیداها به تندی دوره‌های چهارم و پنجم انتخابات عمل نکند. با توجه به سوابق جناح راست، باید انتظار داشت که این جناح حتی به این توافق نیز عمل نکند و شورای نگهبان باز هم تیغ رد صلاحیت را علیه کاندیداها جناح خاتمی به کار اندازد. با حفظ اصل نظارت استصوابی شورای نگهبان، یک چیز مسلم است و آن این که راه بر نیروهایی که حکومت آنان را ((غیرخودی)) می‌نامد هم‌چنان بسته خواهد ماند. با توجه به ترکیب و سوابق شورای نگهبان، این تصور بسیار دشوار است که کاندیداهایی از نیروهایی مانند نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز و جبهه ملی از سوی شورای نگهبان تایید شود، تا چه رسد به نیروهایی در اپوزیسیون که بر حق مخالفت و مبارزه سیاسی فعال خود علیه ولایت فقیه پای می‌فشارند. مصوبه مجلس به معنای پایان مبارزه مردم ایران با حق ضددموکراتیک شورای نگهبان برای تصمیم‌گیری به جای مردم نیست. حتی اگر اصلاح‌طلبان حکومتی نیز از این مبارزه دست شسته و بکوشند به ((نظارت استصوابی)) جنبه معتدل‌تری بدهند، نیروهای آزادیخواه و دموکراتیک ایران با همه توان با همه قیودات ارتجاعی که بر سر راه انتخابات قرار می‌دهند و در راس آن نظارت استصوابی شورای نگهبان مقابله و مبارزه خواهند کرد. به اعتقاد ما چه نیروهایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را می‌پذیرند و در چارچوب این قانون از هیات حاکمه فعلی انتقاد می‌کنند و چه احزاب و سازمان‌هایی که حاضر به پذیرش ولایت فقیه نیستند باید به اعتراض علیه نظارت استصوابی و تامین حق مخالفین برای شرکت در انتخابات مجلس پیگیرانه ادامه دهند و از مردم، دانشجویان و جوانان نیز بخواهند به اعتراضات خود علیه این قانون ارتجاعی ادامه دهند و حامیان آن را وسیعاً افشا کنند.

مجلس تصویب کرد نظارت استصوابی شورای نگهبان همه جانبه و بر تمامی مراحل انتخابات است

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز چهارشنبه ۲۰ مرداد خود، نظارت استصوابی شورای نگهبان بر تمامی مراحل انتخابات مجلس شورای اسلامی را به تصویب رساند. در این جلسه که به ریاست ناطق‌نوری برگزار شد، ماده سوم طرح اصلاح قانون انتخابات به صورت زیر به تصویب رسید:

((نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.))

برای این ماده رای‌گیری با ورقه به عمل آمد که در نتیجه با ۱۱۶ رای موافق در برابر ۶۰ رای مخالف و ۱۴ رای ممتنع به تصویب رسید.

مطابق مواد دیگری که در مجلس به تصویب رسید، انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رای مخفی انجام خواهد شد و انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک سوم آرا خواهد بود. در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان دوره‌ای کسب اکثریت نسبی برای ورود به مجلس کافی خواهد بود و در شرایطی که دو یا چند کاندید دارای آرای مساوی باشند، بین آن‌ها قرعه‌کشی خواهد شد.

پیرامون نظارت استصوابی شورای نگهبان در چند ماه گذشته بحث‌ها و برخوردهای تندی در سطح جامعه جریان داشت و اصلاح‌طلبان با نظارت استصوابی شورای نگهبان به مخالفت برخاسته بودند. دانشجویان با برگزاری چندین میتینگ و تظاهرات این مخالفت را در تندترین شکل ابراز کردند. مخالفت‌های اصلاح‌طلبان بعد از حمایت صریح خامنه‌ای از نظارت استصوابی شورای نگهبان تا حدود زیادی کاهش یافت و آنان در سخنرانی‌های متعدد تصریح کردند هدفشان از مخالفت با این نظارت به هیچ وجه باز گذاشتن راه برای ورود افراد مخالف نظام به مجلس نیست، اما با این حال این تاکیدها مانع از آن نشد که محافظه‌کاران با اتکا به اکثریت خود در مجلس و سستی اصلاح‌طلبان در ایستادگی برابر آنان، خواست‌های خود را قانونی نکنند.

غیبت ۹۰ نماینده

به نوشته روزنامه‌های تهران، به هنگام بررسی لایحه اصلاح قانون مطبوعات، حدود ۹۰ نماینده مجلس غیبت داشتند و برای تماشای کسوف به شهرستان‌های استان مرکزی، لرستان، اصفهان و کرمان سفر کرده بودند!

برخی روزنامه‌های تهران این غیبت بی‌سابقه به هنگام تصمیم‌گیری پیرامون یکی از مهمترین موارد مورد اختلاف دو جناح را نوعی ((اعتراض منفی)) ارزیابی کردند، اما گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که اکنون مدتی است سرنوشت تصامیم مهم در خارج از مجلس و رایزنی‌ها و توافقات پنهانی تعیین می‌شود و از همین رو نمایندگان احساس می‌کنند بود و یا نبود آنان، در تصمیم‌گیری‌ها تاثیر چندانی نخواهد داشت.

برای توافق پیرامون انتخابات مجلس نیز پیش از تصمیم‌گیری در صحن مجلس، کمیته سه‌جانبه‌ای از نمایندگان دولت، مجلس و شورای نگهبان تشکیل شده بود. این کمیته به پیشنهاد مجید انصاری رهبر فراکسیون طرفدار دولت در مجلس، تشکیل شد. به نوشته روزنامه همشهری، اصلاح‌طلبان پیش از رای‌گیری علنی در مجلس، نظارت استصوابی شورای نگهبان را پذیرفته بودند. این روزنامه نوشت: کمیته سه‌جانبه توافق کرده بود ماده سه به صورت زیر به تصویب برسد: ((نظارت شورای نگهبان استصوابی و بر اساس این قانون خواهد بود)) اما صبح روز رای‌گیری یکی از اعضای کمیته خواسته است چیزی به عنوان توافق مطرح نشود. محافظه‌کاران غیبت ده‌ها نماینده اصلاح‌طلب را موقعیت مناسبی یافتند تا علیرغم توافق کمیته، نظارت استصوابی شورای نگهبان را چنان سفت و سخت کنند که دیگر جای هیچ‌جا و اگری باقی نماند.

جای نگرانی نیست!

در حالی که محافظه‌کاران با تصویب این ماده، موقعیت خود برای انتخابات آتی را از هر جهت تحکیم بخشیده و اقدامات ضددموکراتیک خود را صورتی کاملاً قانونی داده‌اند، هنوز بسیاری از محافظه‌کاران به خوش‌خیالی‌های خود ادامه می‌دهند. به نوشته روزنامه همشهری واکنش‌های اولیه نمایندگان اصلاح‌طلب در برابر تصویب ماده سه لایحه اصلاح قانون انتخابات این بوده است که: جای نگرانی نیست! ظاهراً دلیل این آرامش خاطر، ماده دیگری است که یک هفته پیش از آن مجلس شورای اسلامی در مورد نحوه رد صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان، تصویب کرده است و می‌تواند نظارت استصوابی را ((تعدیل)) کند.

رد صلاحیت باید با مدرک باشد

یک هفته پیش از تصویب دوباره نظارت استصوابی، مجلس ماده دیگری را به تصویب رسانده بود که مطابق آن رد صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس بدون ارائه مدارک مکتوب، غیرقانونی خواهد بود. در ماده واحده مجلس آمده است: مراجع رسیدگی‌کننده به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده مکلف هستند به شکایت این دسته از داوطلبان رسیدگی کنند و نتیجه را به داوطلبان و مجریان انتخابات اعلام نمایند. مطابق تبصره این ماده، چنانچه شورای نگهبان صلاحیت داوطلبی را که در مراحل قبلی

مورد تایید قرار گرفته است رد کند، داوطلب می‌تواند حداکثر ظرف مدت سه روز از تاریخ ابلاغ شورای نگهبان در خواست رسیدگی مجدد نماید و شورای نگهبان نیز باید ظرف هفت روز رسیدگی و اعلام نتیجه کند.

این ماده واحده که به پیشنهاد مجید انصاری تصویب شد، حاصل توافق فراکسیون اصلاح‌طلب با بخشی از محافظه‌کاران به سرمداری محمدرضا باهنر بود، که مورد انتقاد گروه دیگری به رهبری موحدی ساوجی قرار گرفت.

اما کمتر کسی است در این موضوع تردید داشته باشد شورای نگهبان برای رد صلاحیت داوطلبین در ارایه مدرک کتبی با دشواری مواجه شود. ضوابط شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی چنان تنگ است که بخش عمده‌ای از مردم ایران بطور کاملاً قانونی خارج از این ضوابط قرار می‌گیرند. ماده واحده مجلس فقط ممکن است تا حدودی تیغ محافظه‌کاران در تصفیه جناح دیگر حکومت را کند کند و آن‌ها را راضی نگاه دارد، اما قطعاً هیچ تغییری در ماهیت ضددموکراتیک این انتخابات نخواهد داد. شورای نگهبان با مصوبه جدید مجلس، دست بازتری یافته است تا به صورت قانونی از این ماهیت ضددموکراتیک پاسداری کند.

شورای عالی امنیت ملی گزارش خود را منتشر کرد خواسته‌های دانشجویان بی‌پاسخ ماند

گزارش کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی در باره حادثه کوی دانشگاه تهران در ساعات پایانی روز شنبه ۲۳ مرداد منتشر شد. این گزارش از لحاظ زمانی فقط به حوادث شب پنج‌شنبه و صبح روز جمعه محدود است. شیوه تهیه گزارش به گونه‌ای است که ارتباط شبیخون مسلحانه ماموران انتظامی به کوی دانشگاه در شب ۱۸ تیر و حرکات اعتراضی بعدی دانشجویان و خواسته‌های آنان که تا روز ۲۳ تیر جریان داشت قطع شده است. در این گزارش با اشاره گذرا به توقیف روزنامه سلام و تصویب ((لایحه اصلاح قانون مطبوعات)) در مجلس، آگاهانه تشریح انگیزه و علت اصلی آغاز حرکت اعتراضی دانشجویان مسکوت گذاشته شده و تهیه کنندگان گزارش تلاش کرده‌اند خیزش آزادیخواهانه دهها هزار دانشجو را به ۱۵ نفر دانشجویی که با توطئه سایرین را به دنبال خود کشانده‌اند، نسبت دهند.

این گزارش را خواننده وقتی می‌خواند این احساس به او دست می‌دهد که انگار مهاجمانی که به کوی دانشگاه شبیخون زدند، خامنه‌ای که فرمان ((منکوب)) دانشجویان را در شب سه‌شنبه ۲۳ تیرماه صادر کرد، عمال استبداد که روز دوشنبه تظاهرات خیابانی دانشجویان را به خاک و خون کشیدند، دادگاه انقلاب و وزارت اطلاعات که ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان را دستگیر کرده‌اند و تهیه‌کنندگان گزارش همه علیه دانشجویان دست به یکی کرده‌اند. در گزارش از نقش انصار حزب‌الله و همکاری ماموران انتظامی با آنان در تهاجم به کوی دانشگاه سخنی در میان نیست. انگار این ماموران انتظامی و وزارت اطلاعات نبودند که راه ورود انصار حزب‌الله و امثال دهنمکی را به درون کوی دانشگاه گشودند.

این شبیخون نیروهای انتظامی و حزب‌الله به کوی دانشگاه که به توصیف رئیس جمهور یک ((تبهکاری بزرگ)) است در گزارش شورای امنیت ملی که خاتمی ریاست و مسئولیت اعمال آن را برعهده دارد به درگیری موضعی دانشجویان و ماموران انتظامی که از ((فحاشی)) دانشجویان عصبانی شده‌اند، تنزل یافته است. در گزارش تلاش شده نیروی انتظامی و فرمانده آن که از خامنه‌ای دستور می‌گیرد، از مظان اتهام برکنار باشد. در گزارش برخی از فرماندهان مورد تقدیر و برخی ملامت شده‌اند. شورای امنیت ملی بر این فرماندهان به این دلیل خرده گرفته که نتوانسته‌اند به موقع آشوب را بخوابانند و نگذارند کار بیخ پیدا کند و به تظاهرات هزاران نفری علیه استبداد و ولایت فقیه بدل شود. در این زمینه در گزارش آمده است: ((بعد از حضور جانشین منطقه مرکزی ناحیه تهران بزرگ و رفتارهای غیر مدبرانه ایشان، درگیری‌ها، به‌طور پلکانی رو به اوج نهاد. در این میان به نظر می‌رسد تعدادی از افراد که مایل به خاتمه این وضعیت نبودند از این فضا استفاده نموده و بر شدت آن افزودند)) از این برخوردها شورای امنیت ملی نتیجه گرفته که سرپرست ناحیه انتظامی تهران بزرگ توانایی و مهارت‌های لازم برای فرماندهی شهری همانند تهران را ندارد. در گزارش پی‌گیری و اظهار نظر در باره برخی از اشخاص و موضوعات به وزارت اطلاعات واگذار شده تا در پرونده‌سازی‌های آینده دچار تناقض نباشد. از جمله وزارت اطلاعات موظف شده است، تحقیقات در مورد حضور عناصر ماجراجو در شب حادثه در کوی دانشگاه و نویسنده اعلامیه دعوت به تظاهرات را پی‌گیری کند.

شورای امنیت ملی در گزارش خود حرکت اعتراضی دانشجویان را غیر قانونی خوانده و از وزارت کشور خواسته از کلیه ((راه‌پیمایی‌های غیر قانونی)) در سراسر کشور جلوگیری کند. همچنین در گزارش تاکید شده که تشکل‌های دانشجویی عامل ناآرامی هستند و ((با تشکل‌های غیر قانونی که به نام تشکیلات دانشجویی در خارج از دانشگاه و بعضاً داخل دانشگاه فعالیت می‌نمایند، باید برخوردهای قاطع و اصولی صورت گیرد و جلوی این گونه تحرکات به شدت گرفته شود)).

گزارش شورای امنیت ملی توسط ابراهیم رئیسی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، مرتضی رضایی رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، عباسعلی فراتی دادستان دادرسی نظامی استان تهران، احمد وحیدی رئیس اداره اطلاعات سپاه پاسداران، غلامرضا ظریفیان نماینده وزیر فرهنگ و آموزش عالی، مصطفی تاج‌زاده و غلامحسین بلندیان از وزارت کشور و جمال شفیعی تهیه شده است. مسئولیت کمیته با علی ربیعی عضو دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بود. این افراد و رهبران جمهوری اسلامی به جای آن که از بررسی حوادث دانشگاه و پی‌آمدهای آن درس بگیرند به راهی رسیده‌اند که نیروهای انتظامی و انصار حزب‌الله آغاز کردند و اکنون وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب آن را دنبال می‌کنند. راه سرکوب دانشجویان. گزارش شورای امنیت ملی تف سربالاست که به روی رژیم بر می‌گردد، راه دامن‌زدن به آشوب‌های بیشتر است. راه عاقلانه تامین

خواسته‌های دانشجویان است که در شعارهای آنان بازتاب داشت. شورای عالی امنیت ملی در گزارش خود به هیچ یک از خواسته‌های دانشجویان و از جمله برکناری تیمسار لطفیان فرماندهی نیروهای انتظامی و آزادی دستگیرشدگان پاسخ نداده است. در جریان حملات وحشیانه نیروهای انتظامی و انصار حزب‌الله به کوی دانشگاه و سپس در روزهای بعد در تهران و تبریز، گروهی از دانشجویان کشته شدند. بسیاری از دانشجویان شهادت همزمانشان را به چشم خود دیدند. اعلام اسامی شهدای این وقایع و تحویل اجساد آنان به نمایندگان دانشجویان و یا خانواده‌هایشان، به یکی از خواسته‌های دانشجویان بدل شد. اما سران حکومت، همواره مدعی شده‌اند که هیچ دانشجویی در جریان حوادث روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیر ماه کشته نشده است. هم آقای خاتمی به دانشجویان در این مورد ((اطمینان)) داد و هم گزارش اخیر شورای عالی امنیت ملی، با سکوت پیرامون این مسأله، بر دروغ‌های گذشته صحت گذاشت. این دروغ‌ها زمانی آشکار خواهد شد و نام و یاد دانشجویان آزاده‌ای که در راه دفاع از آزادی جان باختند، در کنار هزاران نام دیگر به ثبت خواهد رسید!

محافظه‌کاران از بیم خیزش دوباره دانشجویان دامنه سرکوب‌ها را گسترش می‌دهند

ایران آتش زیر خاکستر است، دانشجویان آرام نمی‌گیرند و با قامت افراشته برابر استبداد و دیکتاتوری سینه سپر کرده‌اند. اکنون ذهن همه عناصر حکومت را این سؤال مشغول کرده است که با دانشجویان چه باید کرد، آتش اعتراضات آنان را چگونه باید مهار کرد و نگذاشت شعله‌های آن دوباره از زیر خاکستر زبانه بکشد. دشمنان آزادی می‌دانند با بازگشایی دانشگاه‌ها روزهای دشواری در انتظار آنان است و در مهرماه، آغاز فصل پائیز جنبش دانشجویی دوباره قد خواهد کشید و تندباد انتخابات مجلس ششم که به زودی از راه می‌رسد آتش اعتراضات را شعله‌ورتر خواهد کرد. عمال استبداد از هم‌اکنون از تصور خیزش دوباره دانشجویان و تکرار تظاهرات ۶ روزه تیرماه که ایران را تکان داد بر خود می‌لرزند و برای غلبه بر این ترس، ماشین سرکوب را به راه انداخته‌اند. ماموران وزارت اطلاعات، دادگاه‌های انقلاب، سپاه، حراست نیروهای انتظامی، بسیج و گروه‌های فشار دانشجویان را دسته، دسته دستگیر می‌کنند، تحت شکنجه قرار می‌دهند، تهدید به اعدام می‌کنند و آنان را وادار به اعترافات می‌کنند که مرتکب نشده‌اند. طبق اظهارات رهبرپور رئیس دادگاه‌های انقلاب، از روز ۲۳ تیرماه تاکنون ۱۵۰۰ تن از دانشجویان دستگیر و مورد بازخواست قرار گرفته‌اند. از اطلاعاتی سازمان‌های دانشجویی چنین بر می‌آید که عده‌ای از دستگیر شدگان در مراکزی غیر از زندان‌های رسمی سپاه و دادگاه‌های انقلاب نگهداری می‌شوند و از سرنوشت آنان حتی نهادهای وابسته به دفتر رئیس جمهوری نیز بی‌اطلاع هستند.

همه این وحشی‌گری‌های عمال استبداد علیه دانشجویان در حالی صورت می‌گیرد که هنوز در مجلس بررسی رویدادهای کوی دانشگاه تهران ادامه دارد و تاکنون حتی نام یک نفر از کسانی که در تهران به کوی دانشگاه یورش بردند و در تبریز دانشجویان را به رگبار بستند، اعلام نشده است.

کشتار خونین در تبریز

در دانشگاه تبریز و خوابگاه ولی‌عصر ماموران وزارت اطلاعات و انصار حزب‌الله با مسلسل و کلت کمربند به دانشجویان حمله کردند. کشتار خونین تبریز هم‌زمان با حوادث تهران روی داد اما مهاجمان با هماهنگی، چنان جو رعب و خشونت در شهر ایجاد کردند که حتی نمایندگان مجلس قادر به بازگویی آن نبودند. در جلسه غیرعلنی و غیررسمی مجلس که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۱ و ۲۲ مرداد برای رسیدگی به حوادث اخیر تشکیل شد، نمایندگان تبریز تأیید کردند که مهاجمان وابسته به وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی بودند. این نمایندگان کتبا از رئیس جمهور خواستند هیاتی را برای بررسی، شناسایی و معرفی مسببین کشتار دانشجویان به تبریز بفرستد.

محمدرضا میلانی یکی از نمایندگان تبریز در مورد وقایع این شهر گفت: پس از ترور جواد فرهنگی برادر فرمانده بسیج منطقه، جوی ایجاد شده که مانع رسیدگی به مسئله حمله به دانشگاه تبریز است. وی افزود: در تبریز به وسیله اسلحه گرم مستقیماً به دانشجویان تیراندازی شد و عده‌ای به دفتر مرکزی دانشگاه یعنی محل استقرار رئیس و معاون دانشگاه حمله و آنها را به شدت مضروب کردند. وی گفت: حدود ۱۸۰ تن از دانشجویان دختر و پسر را در دفتر مرکزی دانشگاه برهنه کرده و با شیلنگ و وسائل مختلف مورد ضرب و شتم قرار دادند و پس از آن آنها را به اتوبوس‌ها سوار کردند و بدون لباس در سطح شهر رها کردند و بدترین و مستهجن‌ترین کلمات را در مورد دانشجویان به ویژه دختران بکار بردند و به آنها گفتند شما که طرفدار جامعه مدنی هستید حجاب را برای چه می‌خواهید؟

میلانی در مورد علت سکوت نمایندگان این استان در مجلس از آغاز وقایع تاکنون گفت: جو بسته‌ای که در تبریز بوجود آمده به نحوی است که کسی جرات اظهار نظر ندارد. گروه‌هایی که حوادث تبریز را آفریده بودند همان روز میلانی را تحت فشار قرار دادند که سخنان خود را پس بگیرد. روز بعد میلانی مجبور شد بخش‌هایی از سخنان خود را تکذیب کند. در روزنامه همشهری ۲۱ مرداد تحت عنوان توضیح نماینده تبریز در باره یک خبر نوشته شد: ((عبارت دختر در اظهارات این جانب نبوده است ... بنده به هیچ وجه کلمه دختر را به‌کار نبرده‌ام، گرچه دانشجویان دختر نیز مضروب شده‌اند)).

بازداشت‌ها ادامه دارد

تاکنون چندین دانشجو ناپدید شده‌اند و هر روز نام‌های تازه‌ای بر شمار مفقودین افزوده می‌شود. یکی از مفقودین فرهاد غلامی دانشجوی رشته اقتصاد و عضو انجمن اسلامی دانشگاه اصفهان است. بر اساس اطلاعیه هفتم شورای منتخب دانشجویان هفته گذشته ۳ نفر دیگر از فعالین دانشجویی به نام‌های مجید کابلی، محمود سیانکی و جواد عابدینی مفقود شده‌اند و وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب از سرنوشت این عده اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. در این اطلاعیه تاکید شده که مفقودین توسط گروه‌های ((خودسر)) دستگیر شده‌اند. اما گروه‌های ((خودسر)) چه کسانی هستند. چه رابط‌های با وزارت اطلاعات، دادگاه انقلاب، حراست نیروهای انتظامی دارند. سرتیب لطفیان فرمانده نیروهای انتظامی در جلسه غیرعلنی مجلس حتی دیگر نیازی به این ندید که آگاهی خود از این گروه‌های ((خودسر)) و ارتباط آن‌ها با نیروهای انتظامی را تکذیب کند. لطفیان در این جلسه خطاب به نمایندگان گفت عده‌ای از ماموران انتظامی در شب حادثه در کوی دانشگاه لباس شخصی بر تن داشتند.

تلاش محافظه‌کاران برای کشاندن دفتر تحکیم وحدت زیر تیغ سرکوب همچنان ادامه دارد. برخی از اعضای این دفتر در میان دستگیر شدگان هستند. علی توکلی یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت دوشنبه ۱۱ مرداد به دادگاه احضار شد و پس از بازجویی به خاطر نقشی که در تظاهرات دانشجویی داشته است، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او را چند روز بعد با سپردن وثیقه و به طور موقت آزاد کردند. پس از وی دو تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر به نام‌های محسن ظریفیان و ابوالفضل الفت بازداشت شدند. ابوالفضل پاسبانی یکی دیگر از دانشجویانی است که به دادگاه انقلاب احضار شده و هنوز بازنگشته است. پاسبانی از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، روز شنبه ۱۶ مرداد به دادگاه رفت و از آنجا به زندان اوین منتقل شد. پیش از وی دو تن دیگر از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران به نام‌های ایزدی و اسدزاده را دستگیر کرده‌اند تاکنون خبری از آنان به نزدیکانشان داده نشده است.

بنا به نوشته کیهان ارگان‌های انتظامی قصد دارند دامنه بازداشت‌ها را گسترش دهند. کیهان خبر داده است که یک معاون وزیر و یک عضو شورای شهر تهران نیز به دادگاه احضار خواهند شد.

یکی از اعضای کمیته منتخب شورای دانشگاه که به تازگی برای پی‌گیری حادثه کوی دانشگاه تشکیل شده، در باره بازداشت‌شده‌ها گفت: ما با یک ارگان روبرو نیستیم و سازمان‌ها و نهادهای متنوعی در بازداشت‌ها دست داشته‌اند.

تشکیل جلسه غیر علنی مجلس

هفته گذشته برای بررسی رویدادهای دانشگاه، مجلس دو جلسه غیرعلنی و غیررسمی تشکیل داد. در جلسه نخست سرتیب لطفیان علیرغم دعوت نمایندگان از حضور در مجلس و پاسخ به پرسش‌های نمایندگان امتناع کرد. در این جلسات که وزرای فرهنگ و آموزش عالی، اطلاعات و امنیت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت کشور شرکت داشتند، معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی با انتقاد از کسانی که آشکارا از خشونت حمایت می‌کنند، گفت: ((دانشجویان قربانی مسائل جناحی شدند)). سرتیب لطفیان اگرچه به احتمال مجازات تعدادی از افراد نیروهای انتظامی اشاره کرد اما به دفاع از تهاجم آنان علیه دانشجویان پرداخت و با بیان این که ((اجتماع دانشجویان در شب حادثه با اجتماعات قبلی تفاوت داشت و شعارهای آنها افراد نیروی انتظامی را عصبانی کرد))، آشکارا از سرکوب دانشجویان حمایت کرد. وی در مورد همکاری ماموران انتظامی با گروه‌های فشار گفت: نیروهای پلیس که با لباس شخصی در کنار نیروهای انتظامی دیده شدند افراد این نیرو بودند که بنا به تدبیر با لباس شخصی در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف حضور داشتند. در این جلسه نمایندگان جناح راست تاکید می‌کردند که باید فعالیت دانشجویان را محدود کرد.

یک پیام آشکار

آقای خاتمی که عدم حضورش در جمع دانشجویان معترض در روزهای تظاهرات مورد اعتراض و انتقاد بسیاری قرار گرفته است بعدتر نیز درخواست شورای منتخب دانشجویان متحصن برای دیدار با وی را نپذیرفت، سرانجام روز پنجشنبه گذشته برای نخستین بار با دانشجویان دیدار کرد. اما ترکیب کسانی که به دیدار او رفتند، یک پیام آشکار به همراه داشت. خاتمی نمایندگان اعضای ((دفتر تحکیم وحدت))، ((بسیج دانشجویی)) و ((جامعه اسلامی دانشجویان)) را یکجا به حضور پذیرفت. یعنی هم نمایندگان دانشجویانی را که در اعتراض شرکت داشتند و هم نمایندگان تشکل‌هایی را که به سرکوب دانشجویان پرداختند. وجه مشترک این نمایندگان این بود که وابسته به جناح‌های حکومت بودند. آقای خاتمی با این رفتار خویش نشان داد که نمایندگان منتخب دانشجویان (شورای منتخب آنان) را به رسمیت نمی‌شناسد و تنها تشکل‌های وابسته به رژیم را به حضور می‌پذیرد. با این حال آقای خاتمی در این دیدار تلاش کرد خود را به دانشجویان و خواسته‌های آنان نزدیک کند و اعتماد ترک برداشته را بند بزند. خاتمی خشونت را محکوم کرد و گفت: ((خشونت در صدد خشکاندن چشمه جوشان و پویای زندگی و درپی تحمیل کردن یک سلیقه و یک فضای مرگ‌آلود بر جامعه است و متأسفانه، زشت‌ترین و کینه‌توزانه‌ترین نوع خشونت در کوی دانشگاه رخ داد و علیه دانشجو به‌کار رفت)).

خاتمی افزود با خشونت‌طلبان برخورد خواهد شد و به‌زودی بیانیه‌ای هم منتشر می‌شود. وی در زمینه پی‌گیری روی دادهای دانشگاه گفت: ((حادثه کوی دانشگاه ریشه‌یابی شده و بخشی از نیروهایی که رفتار خلاف داشتند و همچنین برخی از نیروهای غیر نظامی حاضر در صحنه که منشا شروع حادثه بودند، مشخص شده‌اند)). اشاره خاتمی به خشونت‌طلبان دو پهلو و مبهم بود. گزارش شورای عالی امنیت ملی که روز شنبه منتشر شد نشان داد که به هیچ یک از این وعده‌ها عمل نشده است.

طرح ((اغتشاش ۲))

اصلاح‌طلبان حکومتی و جناح مقابل یکدیگر را به ایجاد ناآرامی و توطئه متهم می‌کنند. آنان بر طرح جدید عنوان ((اغتشاش ۲)) گذاشتند. مرتضی

مرتضی‌نبوی از نظریه‌پردازان جناح راست و مدیر مسئول روزنامه رسالت می‌گوید طرح ((اغتشاش ۲)) را اطلاع‌طلبان تدارک می‌بینند. و از ((نهضت آزادی))، ((دفتر تحکیم وحدت)) و روزنامه‌های دوم خرداد به عنوان دست‌های پیدا و پنهان این طرح یاد می‌کند. از نظر نبوی زمان آغاز ((طرح اغتشاش ۲))، اول مهرماه و نیروی آن جنبش دانشجویی، دانش‌آموزی و کارگری است. اصلاح‌طلبان می‌گویند طرح اغتشاش ۲ ادامه ((پروژه محرم)) و ((پروژه صفر)) و ... است و جناح راست می‌خواهد با انتصاب این طرح به اصلاح‌طلبان، سرکوب تازه‌ای را سازماندهی کند. این طرح از هم‌اکنون برای این به صفحات روزنامه‌ها راه یافته است و در مورد آن تبلیغ می‌شود تا زمینه سرکوب خشن اعتراضات دانشجویی را که انتظار می‌رود با آغاز مهرماه برپا شود، فراهم آورد. جامعه ایران با حساسیت و التهاب منتظر زمانی است که یک و نیم میلیون دانشجو دوباره گرد هم می‌آیند.

به حکم دادگاه ویژه روحانیت روزنامه سلام به مدت ۵ سال تعطیل شد

دادگاه ویژه روحانیت، روز یازده مرداد ماه گذشته، حکم تعطیلی ۵ ساله روزنامه سلام را اعلام کرد. در بیانیه‌ای که دادگاه ویژه روحانیت منتشر کرد، آمده است: مجرمیت موسوی خوئینی‌ها، مدیر مسئول روزنامه سلام، در خصوص نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر محرز تشخیص داده شده و وی به این دلیل به شش ماه حبس تعزیری محکوم گردیده که با توجه به ((وضعیت خاص)) وی، این محکومیت به پنج میلیون ریال جریمه نقدی تقلیل یافت. در این بیانیه آمده است: مجرمیت موسوی خوئینی‌ها در خصوص انتشار سند خیلی محرمانه دولتی نیز محرز تشخیص داده شده و وی به این دلیل به سه سال حبس محکوم گردیده که باز با توجه به ((وضعیت خاص)) متهم، این حکم به ۵ سال تعطیل روزنامه سلام تغییر یافته است. دادگاه ویژه روحانیت همچنین موسوی خوئینی‌ها را به اتهام جعل از طریق تحریف در سند دولتی به پرداخت ۱۸ میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است.

در همین حال روزنامه کیهان به نقل از روزنامه ایران تایمز از قول یک منبع اطلاعاتی خبر داد فردی که نامه سعید اسلامی را در اختیار روزنامه سلام قرار داده بود، دستگیر شده است. گردانندگان این روزنامه اعلام کرده‌اند که این نامه از طریق فاکس به دفتر روزنامه رسیده بود.

حکم سنگین و دور از انتظار دادگاه ویژه روحانیت علیه مدیر مسئول روزنامه سلام که ((یکی از چند یار نزدیک امام)) خوانده شده است، با ناپاوری اصلاح‌طلبان همراه شد. با این حال اعتراض به این حکم و تعطیل روزنامه سلام به عنوان پرچمدار اصلاح‌طلبی حکومتی، به چند بیانیه از سوی تشکلهای وابسته به جناح اصلاح‌طلب محدود ماند و هیچ اعتراضی دیگری در این مورد صورت نگرفت.

بیانیه روحانیون مبارز

مجمع روحانیون مبارز که روزنامه سلام ارگان غیررسمی آن به شمار می‌آمد، با انتشار بیانیه‌ای تعطیلی روزنامه سلام را محکوم کرد. در این بیانیه از جمله آمده است: بالاخره دادگاه ویژه روحانیت برخلاف فلسفه اولیه تشکیل آن که دفاع از روحانیت اصیل در مقابل روحانی‌نمایان دین به دنیا فروش و وابسته به رژیم طاغوت بود، در محاکمه‌ای تاسف بار یکی از چهره‌های شاخص و اصیل روحانیت انقلابی شیعه را به پای میز محاکمه کشاند. اگر اصحاب خاص امام خمینی را برشماریم، بی‌گمان آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها در ردیف ده نفر اول قرار خواهد داشت.

در ادامه این اطلاعیه آمده است: اینک که دستگاه قضایی کشور پس از چند ماه سکوت و انتظار پرده از اهداف شیطانی سعید امامی و توطئه‌های شوم او برداشته است، محاکمه آقای موسوی خوئینی‌ها به خاطر افشای نیت پلید وی چه توجیهی دارد؟ مگر مضمون این نامه به اصطلاح محرمانه چه بود؟ آیا انتشار نامه سعید امامی معدوم، و آگاه کردن مردم از ترشحات فکری کسی که در صدد ضربه زدن به نظام اسلامی بوده است، خیانت به مردم و اضرار به غیر است؟ بر فرض محرمانه بودن نامه، اگر چنانچه کسی علیه انقلاب مشغول توطئه بوده و مکتوباتی هم داشته باشد، آیا صرف طبقه‌بندی در بخش محرمانه یک تشکیلات می‌تواند مانع روشنگری و هشدار به جامعه و مسئولین و جلوگیری از پیامدهای توطئه باشد؟

جبهه مشارکت اسلامی که حزب نزدیک به آقای خاتمی رئیس‌جمهور است نیز با انتشار بیانیه‌ای تعطیل روزنامه سلام را محکوم کرد و آن را برخورد آشکار با جبهه دوم خرداد دانست.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تعطیل روزنامه سلام را ((هزینه سنگین توسعه سیاسی)) خواند.

خبرنگاران بدون مرز محکوم کرد

همچنین سازمان روزنامه‌نگاران بدون مرز با ارسال نامه‌ای به محمد خاتمی تعطیلی روزنامه سلام را محکوم نمود. در این نامه آمده است: از آنجا که دادگاه ویژه روحانیت فاقد صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است، این سازمان درخواست دارد که حکم غیرقانونی که با انگیزه‌های سیاسی صادر شده است ملغی گردد و با لغو این حکم، این روزنامه مجدداً منتشر شود. این سازمان حکم دادگاه ویژه روحانیت را در مورد روزنامه سلام تخلف آشکار از اصل آزادی مطبوعات در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی دانسته که ایران نیز آن را امضا کرده است.

آمران قتل‌ها در صدد مخومه اعلام کردن پرونده قتل‌ها هستند

گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد قتل آزادی‌خواهان ایران ادامه توجیهات گذشته است. بالاخره هفته‌ها انتظار به سرآمد و سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان مرجع پیگیری قتل‌های سیاسی پائیز سال گذشته تهران، گزارش مفصلی درباره نتایج ((تحقیقات)) خود انتشار داد. آنچه با خواندن این گزارش جلب توجه می‌کند، این است که آمرین قتل‌ها و حامیان آن‌ها در صدد مخومه اعلام کردن این پرونده هستند.

نکات اصلی گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح از این قرار است:

۱ - همه ((آمرین، مسببین و عوامل داخلی قتل‌ها)) شناسایی شده‌اند و به غیر از یک نفر که خودکشی کرده است، همگی در زندان به سر می‌برند. بدین ترتیب، قوه قضائیه رژیم اعلام می‌کند هیچ کس دیگری در ارتباط با این جنایات وزارت اطلاعات تحت پیگرد قرار نخواهد گرفت. این، پاسخی منفی به خواست‌های افکار عمومی در مورد بازخواست از وزرای پیشین اطلاعات، فلاحیان و دری نجف‌آبادی است.

۲ - قتل منتقدان حکومت، نه توطئه حکومت علیه دگراندیشان، که ((توطئه‌ای شوم علیه نظام)) بوده است. عاملین این قتل‌ها می‌خواسته‌اند جناح‌های داخلی رژیم را به رویارویی بکشانند، چهره نظام جمهوری اسلامی را در داخل و خارج مخدوش کنند، جمهوری اسلامی را در جهان منزوی سازند و ((قداست رهبری)) را بشکنند. آنها حتی قصد داشته‌اند در مرحله بعدی، چهره‌هایی از دو جناح رژیم را ترور کنند.

۳ - مسئولین مافوق متهمان در وزارت اطلاعات، نه تنها نقشی در قتل‌ها نداشته‌اند، بلکه دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات وقت بوده است که ماجرا را تا دستگیری عوامل قتل‌های زنجیره‌ای پیگیری کرده است.

۴ - متهمان می‌خواسته‌اند تقصیر قتل‌ها را به گردن سپاه پاسداران بیندازند.

۵ - ((تصورات اولیه این بود که اینها با انگیزه دلسوزانه ولی با یک تحلیل غلط دست به این اقدامات زده‌اند. بعد از گذشت شش ماه از تحقیقات معلوم شد... در واقع دشمن بوده‌اند)).

۶ - برخلاف ادعای روزنامه‌های طرفدار خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی در همان روز ششمین و آخرین اقدام سعید امامی به خودکشی، در جریان این اقدام قرار گرفت.

۷ - ((خودکشی سعید امامی به وسیله خوردن داروی نظافت قطعی و مسلم است)) و ((هیچ گونه شبهه‌ای)) در این خصوص وجود ندارد.

۸ - کار متهمان، ربطی به جناح‌های حکومت ندارد و از این رو، این پرونده ((ملی و فراجناحی)) است.

از آنجا که در فضای خفقان نسبی پس از سرکوب تظاهرات دانشجویان، مطبوعات اصلاح‌طلب در ایران نخواستند با صراحت لازم تناقضات و دروغ‌های اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح را افشا کنند، اشاره به این ناهنجاری‌های گزارش مزبور ضروری است. ما در این نوشتار می‌کوشیم حتی‌المقدور تناقضات داخلی گزارش مزبور را مورد تاکید قرار دهیم. بدین منظور گاه لازم است از منطق نگارندگان گزارش، پیروی شود. ما چنین می‌کنیم و البته کماکان تردیدی نداریم که جنایات پائیز گذشته و جنایات مشابه قبل و بعد از آن، اگر نه به دستور صریح ولایت فقیه، که حداقل بر پایه سیاستی که او توصیه کرده و می‌کند، صورت گرفته است. و اینک درباره مفاد گزارش:

۱ - آیا فلاحیان نباید به علت گماشتن یک جنایتکار در حساس‌ترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی (معاون امنیت داخلی وزارت اطلاعات) و نگه داشتن او در این سمت به مدت هشت سال مورد بازخواست قرار گیرند؟ آیا دری نجف‌آبادی که ظاهراً به علی سعید امامی را از معاونت وزارت اطلاعات برکنار کرده است، نباید مورد مواخذه قرار گیرد که چرا بیش از یک سال پس از روی کار آمدن دولت خاتمی، سعید امامی هنوز در وزارت اطلاعات آنقدر نفوذ داشته است که توانسته از امکانات این وزارتخانه برای پیشبرد مقاصد خود سود جوید؟ آیا همه اقداماتی که علیه نویسندگان انجام گرفت، از قتل غفار حسینی‌ها و زال‌زاده‌ها گرفته تا توطئه پرتاب اتوبوس نویسندگان به دره، ربودن فرج سرکوهی، پخش برنامه هویت از تلویزیون و غیره کار همین معدود افراد ((محفل)) سعید امامی بود که تعدادشان قطعاً از مجموع ۲۳ نفر متهمان پرونده که برخی از آنها آزاد شده‌اند، کمتر است؟

۲ - افکار عمومی حق دارد بپرسد سعید امامی ((فتنه‌گر و جنایتکار)) و همدستانش با چه انگیزه‌ای دست به این اقدامات زدند و چرا پس از سال‌ها خدمت در حساس‌ترین پست‌های امنیتی، به یکباره دشمن جمهوری اسلامی از کار درآمده‌اند؟ اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح، از تکرار اتهام جاسوسی در مورد ((محفل)) سعید امامی خودداری می‌کند. این خود نشان‌دهنده این واقعیت است که با هزار من سریش و علیرغم ادعاهای مکرر خامنه‌ای و سایرین، نتوانسته‌اند سرخ قتل‌ها را به گونه‌ای به ((خارج)) وصل کنند. اگر قاتلان، عوامل قدرت‌های خارجی دشمن جمهوری اسلامی نبوده‌اند، پس در زمره کدام ((دشمنان)) اند؟ این کدام دشمنی است که در این ۲۰ سال از او نه نامی بوده است و نه نشانی؟

۳ - اگر دری نجف‌آبادی بود که باعث دستگیری متهمان شد، چرا خاتمی او را در برابر انتخاب بین استعفا و برکناری قرار داد؟

۴ - شش ماه قبل از قتل‌ها، سخنرانی جنجالی رحیم صفوی فرمانده سپاه که در آن گفت علیه منتقدان جمهوری اسلامی به گردن زدن و زبان بریدن متوسل خواهد شد، چه معنایی داشت؟

۵ - آیا برای افکار عمومی ایران قابل تحمل است که یک مرجع قضایی به اعتراف صریح خود شش ماه بر این باور باشد که می‌توان از سر دلسوزی دست به قتل و جنایت زد؟ آیا این ارتباط فکری صمیمانه بین متهمان و پیگیری‌کنندگان پرونده کافی نیست تا مرجع دیگری عهده‌دار رسیدگی به قتل‌ها شود؟

۶ - آیا با توجه به اطلاعات ضد و نقیض درباره زمان اطلاع خاتمی از خودکشی سعید امامی، لازم نیست رئیس جمهوری توضیح دهد که ادعای سازمان قضایی نیروهای مسلح صحت دارد یا نه و اگر صحت دارد، چرا خاتمی اقدامی برای خارج کردن فوری سعید امامی از اختیار کسانی که تا آن زمان مسئول نگهداری او بوده‌اند نکرده است؟ و اگر ادعای سازمان قضایی نیروهای مسلح صحت ندارد، چرا آقای خاتمی آن را تکذیب نمی‌کند؟

۷ - چرا متهم و قاضی در مورد خودکشی سعید امامی یکی است و همان سازمانی که در حوزه مسئولیت او، سعید امامی جان سپرد مسئول رسیدگی به این مرگ شد؟ بدیهی است که سازمان قضایی نیروهای مسلح اگر مسئول بررسی مسئولیت خود شود، به نتیجه‌ای جز این نخواهد رسید که خودکشی امامی قطعی و مسلم است.

۸ - اگر کارهای متهمان ربطی به هیچ جناح حکومتی ندارد، چرا جناح راست حکومت صریحا اعلام نمی‌کند که مخالف هرگونه اعمال خشونت علیه منتقدان جمهوری اسلامی است، بلکه بر عکس، مصباح یزدی از نظریه‌پردازان برجسته این جناح، تقریبا هر هفته امکان می‌یابد که از تریبون نماز جمعه تهران آشکارا از برخورد خشونت‌آمیز به دگراندیشان دفاع کند؟ وظیفه همه اصلاح‌طلبان و آزادیخواهان است که با طرح سئوالاتی از این قبیل در افکار عمومی، نگذارند تلاش برای مختومه اعلام کردن پرونده قتل‌ها به نتیجه برسد.

ما در عین حال خاطر نشان می‌کنیم روند بررسی پرونده این جنایت نشان داد که خواست نیروهای اپوزیسیون و آزادیخواهان ایران برای اعزام یک هیات بین‌المللی بی‌طرف برای رسیدگی به این جنایت تا چه اندازه صحیح بوده است. ما کماکان از این خواست پشتیبانی می‌کنیم و خواهان اعزام یک هیات تحقیق بین‌المللی جهت بررسی این جنایت هستیم.

کاظم شکری با وثیقه ۱۵ میلیونی آزاد شد

کاظم شکری، مدیر صفحات داخلی روزنامه صبح امروز که به دلیل چاپ نامه یک معلم بازداشت شده بود، با یک وثیقه ۱۵ میلیون تومانی موقتا آزاد شد. قاضی دادگاه چاپ نامه این معلم را تبلیغ علیه اسلام و قرآن اعلام کرده است. آزادی شکری بعد از یک جلسه مواجهه با سعید حجاریان، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و احمد ستاری از اعضای شورای سردبیری این روزنامه صورت گرفت. به گفته حجاریان پس از این جلسه مواجهه، شبهات قاضی در مورد ناهماهنگی‌های میان حرف‌های وی و شکری برطرف و رای به آزادی موقت کاظم شکری داده شد. قرار است جلسه محاکمه سعید حجاریان و کاظم شکری روز دوشنبه ۲۵ مرداد ماه برگزار شود.

محمود هاشمی به جای محمد یزدی نشست

روز سه‌شنبه این هفته مراسم معرفی و تودیع روسای جدید و قدیم قوه قضاییه صورت گرفت و محمد یزدی سرانجام جای خود را به محمود هاشمی داد. در این مراسم که با حضور مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی برگزار شد، از ((خدمات)) محمد یزدی تجلیل به عمل آمد.

یزدی پیش از این از خود به میزان کافی تجلیل کرده و در آخرین جلسه با مسئولان قوه قضاییه، گفته بود که به مدت ده سال در این مقام به اسلام خدمت کرده است و جز رضای خدا هیچ چیز را در نظر نداشته است! خامنه‌ای در حکم خود به محمود شاهرودی، از ((خدمات)) یزدی به نحو پرشوری تجلیل کرد و نوشت: بی‌گمان دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون راه دشوار و نارفتن‌های را به همت شخصیت‌ها و عناصر دلسوز پیموده و به ویژه در سال‌های اخیر و با وجود مخالفت‌ها و غرض‌ورزی‌های گسترده و عمیق، موفقیت‌های بزرگی به دست آورده است.

محمود هاشمی شاهرودی رئیس جدید قوه قضاییه، که روز ۲۳ مرداد ماه از سوی خامنه‌ای به این مقام منصوب شد، ۵۱ سال دارد و در شهر نجف در عراق متولد شده است. وی تنها در سال ۱۳۵۸ یعنی در سن ۳۱ سالگی به ایران آمد و در حوزه علمیه قم به تدریس فقه پرداخت. خبرگزاری جمهوری اسلامی او را از شاگردان محمد باقر صدر و آیت‌الله خمینی معرفی کرده است، اما در کارنامه محمود هاشمی تا قبل از ورود به ایران، هیچ نشانه‌ای از فعالیت‌های سیاسی دیده نمی‌شود. هاشمی از نزدیکان مورد اعتماد علی خامنه‌ای است و هم‌اکنون عضو مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشد و پیش از سمت جدید خود، یکی از فقهای شورای نگهبان نیز بوده است. او در سال‌های اخیر به فرمان خامنه‌ای موسسه ((دایرالمعارف فقه اسلامی)) را نیز تشکیل داده است. با این حال او در ایران ناشناخته است.

یزدی عضو شورای نگهبان شد

همزمان با پایان ریاست محمد یزدی بر قوه قضاییه، خامنه‌ای طی حکمی وی را به عضویت در شورای نگهبان منصوب کرد. به این ترتیب خامنه‌ای این امکان را برای یزدی که دشمنی او با آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان شهره عام و خاص است، فراهم آورد تا در این نهاد ارتجاعی به دشمنی با آزادیخواهان ادامه دهد و در قلع و قمع کاندیداهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس ششم فعالانه‌تر از پیش شرکت کند.



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany